

مراسم شهادت حضرت مسلم (ع)

مراسم سینه زنی و روضه خوانی شهادت سفیر امام حسین(ع) حضرت مسلم بن عقیل با شکوه هر چه تمام در شهرستان بوموسی برگزار گردید.



علامه مجلسی (ره) در جلاء العیون نقل می‌کند :

هنگامی که حضرت «مسلم ابن عقیل» صدای پای اسبان را شنید، دانست که به طلب

او آمده‌اند. فرمود: اِنِّى لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاعْبُدْهُ وَاسْتَعِزْ بِالْحَمْدِ لِلّٰهِ الَّذِىٓ اَخْرَجَ الظُّلُمٰتِ مِنَ النُّوْرِ اِنَّ الظُّلُمٰتِ لَآ يَرَوْنَ النُّوْرَ اِذَا كَانَتْ اَجْفَاۤىٓ وَاَسْفٰىۤىٓ وَاَسْجٰدٌ مِّنْ دُوْنِ السُّجُوْدِ اَلَّذِىۤ اَسْبَغَ الصَّلٰوةَ لَكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْمُرْسَلِیْنَ

برداشت، از خانه بیرون آمد، چون نظرش به آنها افتاد شمشیر خود را کشید و به آنها حمله کرد و جمعی از آنان را بر خاک هلاکت افکند و به هر طرف که رو می‌آورد از پیش او می‌گریختند، تا آنکه چند نفر از آنها را به عذاب الهی واصل گردانید، تا آنکه یکی از دشمنان ضربه‌ای بر صورت او زد و لب بالای مسلم خونین شد، اما آن شیر خدا به هر سو که رو می‌آورد؛ کسی در برابر او نمی‌ایستاد. چون از جنگ او عاجز شدند بر بام‌ها برآمدند و سنگ و چوب بر او می‌زدند و آتش بر نی می‌زدند و بر سر ایشان می‌ریختند، چون آن سید مظلوم آن حالت را مشاهده نمود و از زنده ماندن خود نا امید شد، شمشیر کشید و بر آن کافران حمله کرد و جمعی را از پا درآورد. در این هنگام «ابن اشعث» دید که به آسانی دست بر او

نمی‌توان یافت. گفت: ای مسلم! چرا خود
را به کشتن می‌دهی! ما ترا امان
می‌دهیم و به نزد ابن‌زیاد می‌بریم و او
اراده قتل تو ندارد، مسلم گفت قول
شما کوفیان را اعتماد نشاید و از
منافقان بی‌دین وفا نمی‌آید.